

## مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال شانزدهم، شماره سی و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۶

### خسرو انوشیروان و شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران در دوره ساسانیان\*

دکتر شهرام جلیلیان<sup>۱</sup>

نجم‌الدین گیلانی<sup>۲</sup> (نویسنده مسئول)

#### چکیده

شکوفایی فرهنگ و تمدن یک سرزمین پیوند تنگاتنگی با خردمندی و فرهیختگی فرمانروایان آن دارد و اگر این ویژگی‌ها با بردباری و آزاداندیشی یک فرمانروا همراه شود، نخبگان و اندیشمندان به سوی او روی خواهند آورد. خسرو انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹ م.) پادشاه فرهیخته و خردمند ساسانیان، چنان‌که منابع تاریخی ایرانی و نایرانی گواه‌اند، هم دانش دوست بود و هم آکنده از بردباری دینی و آزاداندیشی. از این رو، در دوره فرمانروایی او دانشمندی از دیگر سرزمین‌ها به ایران آمدند که یک نمونه آن، ورود فیلسوفان و پزشکان بیگانه به شهر جندی‌شاپور در خوزستان بود. خسرو انوشیروان که شیفته دانش و فلسفه بود و همیشه با فیلسوفان و اندیشمندان گفت‌وگوها و هم‌اندیشی داشت، تلاش زیادی هم برای گردآوری کتاب‌های علمی هندی و یونانی و ترجمه‌ی آنها به زبان پهلوی (= فارسی میانه) انجام داد. همچنین خسرو انوشیروان برای گستراندن امنیت در ایران، نهادهای فرهنگ کار و کوشش و ایجاد همدلی و یکپارچگی در کشور، که همگی از زمینه‌های پیدایش و شکوفایی فرهنگ و تمدن‌ها بوده‌اند، فعالیت‌های زیادی کرد. در این پژوهش، کوشش خواهد شد با سودجستن از منابع تاریخی و به روش توصیفی - تحلیلی، به اقدامات خسرو انوشیروان برای شکوفایی فرهنگ و تمدن ایرانی پرداخته شود.

**واژه‌های کلیدی:** خسرو انوشیروان، فرهنگ و تمدن، دانش دوستی، کار و کوشش، جندی شاپور.

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۱۳۹۶/۲/۱۶

ngilani58@gmail.com

\* تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۶/۱۰

نشانی پست الکترونیک نویسنده مسئول

۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز.

۲. دکترای تاریخ محلی، پژوهشگر فرهنگ و تمدن ایران و اسلام.

### ۱. مقدمه

خسرو انوشیروان در منابع تاریخی بیگانه، به‌عنوان پادشاهی دانش‌دوست و فیلسوف معرفی شده‌است، چنان‌که آگاتیاس با همه دشمنی و کینه‌ای که از خسرو انوشیروان دارد، اعتراف می‌کند که این پادشاه ایرانی را به لحاظ دانش‌دوستی بسیار مورد تمجید و تکریم قرار داده‌اند «آن‌هم نه تنها ایرانیان، بلکه تنی چند از رومیان نیز، از این جهت که وی دوستدار ادب و صاحب‌نظر دقیق فلسفه‌ی ماست...» (آگاتیاس، به نقل از وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۲۱۷).

منابع عربی نیز بارها از دانش‌دوستی خسرو انوشیروان یاد کرده‌اند (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۰۰؛ حموی، ۱۹۹۵: ۷۴/۵؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۰؛ ابشیهی، ۱۴۱۹: ۳۴۴؛ همچنین نک: سبزیان‌پور، ۱۳۹۲: ۴۳ تا ۴۶). دیگر منابع نیز بر دانش‌دوستی خسرو انوشیروان تأکید دارند، چنان‌که ابن‌بلخی می‌گوید: «چون پادشاهی بر خسرو انوشروان عادل قرار گرفت، هر کجا کتابی در مورد حکمت‌ها و سیاست می‌یافت، می‌خواند.» (ابن‌بلخی، ۱۳۸۵: ۸۸). در کلیله و دمنه نیز آمده است که: «انوشروان کسری بن قباد، خَفَفَ اللَّهُ عَنهُ، از شُعاع عقل و نور عدل حظی وافر ارزانی داشت... تا نهمت بتحصیل علم و تتبع اصول و فروع آن مصروف گردانید و در انواع آن بمنزلی رسید که هیچ پادشاه پس از وی آن مقام را در نتوانست یافت» (نصرالله‌منشی، ۱۳۸۳: ۱۵). دینوری نیز می‌گوید: «میان پادشاهان ایران هیچکس از انوشیروان بیشتر در طلب علم کوشا نبود و خود جامع فنون ادب و حکمت بود، ادیبان و حکیمان را به خود نزدیک می‌ساخت و قدر و منزلت ایشان را می‌شناخت.» (دینوری، ۱۳۶۸: ۱۰۰). شاهنامه فردوسی هم در گزارش دوره خسرو انوشیروان، آکنده از اشاره‌هایی به خردمندی و خردپرووری و دانش‌دوستی این پادشاه است. به گزارش شاهنامه:

دل شاه کسری پر از داد بود      به دانش دل و مغزش آباد بود

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۱۲۶۱/۶)

فردوسی، خسرو انوشیروان را از همه مردم «پُر هنرتر» و فرزانه‌تر می‌داند:  
نه زو پُر هنرتر به مردانگی      به تخت و به دیهیم و فرزانگی

(همان: ۱۳۳۶)

بدون تردید در کشوری که پادشاه و وزیر - خسرو انوشیروان و بزرگمهر - خردمند و دانش‌دوست باشند، علم و فرهنگ اوج می‌گیرد و دانشمندان سعادت‌مند خواهند شد. دانش‌دوستی و خردپرووری خسرو انوشیروان سبب شد که دانشمندان و هنرمندان کشورهای دیگر به دربار او روی آورند و دستاوردهای علمی و تجربه‌های خود و تمدنی که نماینده آن بودند، از راه تألیف کتاب و پرورش شاگردان به ایران انتقال دهند؛ همچنین با پشتیبانی خسرو انوشیروان کتاب‌های زیادی در زمینه‌ی پزشکی، فلسفه، نجوم و... از روم و هند و دیگر کشورها به پهلوی ترجمه و در دانشگاه جندی‌شاپور بایگانی شدند. دوره

فرمانروایی خسرو انوشیروان را باید عهد نهضت فرهنگی ایران و اوج شکوفایی دانشگاه جندیشاپور به شمار آورد. بسیاری از نخبگانی که با ورود اسلام به ایران در خدمت تمدن اسلامی درآمدند، جدا از این که خود از پرورش یافتگان جندیشاپور بودند، دست‌آویز علمی آنها در زمینه‌های گوناگون، همان کتاب‌هایی بود که در دوره خسرو انوشیروان، پادشاه دانش‌دوست و فرهیخته‌ی ایران تألیف و ترجمه شده بودند.

#### ۱-۱. شرح و بیان مسئله

دوره پادشاهی خسرو انوشیروان در تاریخ ساسانیان، روزگار درخشان فرهنگ و تمدن ایران و دوره‌ی شکوفایی نهضت تمدنی و فرهنگی ایرانیان بود. با پشتیبانی و علاقه‌مندی این شهریار بود که متن‌های گوناگون علمی در زمینه‌های پزشکی، فلسفه، نجوم و ریاضیات از زبان‌های یونانی، سریانی و هندی به فارسی میانه ترجمه شدند (جلیلیان، ۱۳۹۲: ۸۷؛ همچنین نک: ابن مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱۸۱؛ ثعالبی، ۱۳۶۸: ۴۰۶). حتی گفته می‌شود خسرو انوشیروان آموزش فلسفه و نجوم را در جندیشاپور الزامی کرده بود (زرین‌کوب، ۱۳۷۶: ۵۴۶)، و گذشته از مطالعه کتاب‌های علمی و فلسفی، خود در انجمن‌های مناظره و مباحثه علمی حضور می‌یافت و با دانشمندان گفت‌وگو می‌کرد (فردوسی، ۱۳۸۵: ۱۲۷۶/۶؛ کریستن سن، ۱۳۶۷: ۵۷۴ تا ۴۸۴؛ ممتحن، ۱۳۵۴: ۱۳۳ تا ۱۷۲). علاقه‌مندی او به علم و فلسفه چنان بود که حتی یونانیان وی را شاگرد افلاطون می‌انگاشتند (ویتتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۲۱۷؛ به نقل از آگاثیاس). خسرو انوشیروان همواره با فلاسفه و موبدان گفت‌وگو و مناظره داشت (ویسهوفر، ۱۳۷۷: ۲۶۴)؛ از این رو در فلسفه آزموده شده بود و در پاره‌ای منابع از او به عنوان «خردمندترین و دادگرتین» (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۲۹۰) و آگاه‌ترین فرد در شناخت اسرار و رموز دل‌ها یاد شده است (ابشیهی، ۱۴۱۹: ۳۴۴).

دانش‌دوستی خسرو انوشیروان سبب شد که در گستره شاهنشاهی او، روز به روز علم و دانش اهمیت بیشتری پیدا کند. بردباری دینی او هم زمینه را برای آمدن دانشمندان و نویسندگانی از کشورهای متمدن آن روزگار با هر دین و اندیشه‌ای، به دربار او فراهم آورد. به‌زودی دربار خسرو انوشیروان کانون گردهم آمدن دانشمندان یونانی، یهودی، مسیحی، هندی و ایرانی گردید (قفطی، ۱۳۷۱: ۱۸۵). نتیجه و ثمره این گردهمایی‌ها و توجه به علوم مردمان متمدن آن روزگار، آمیختن علوم شرقی و غربی و به دنبال آن توسعه‌ی فرهنگ و تمدن ایران در زمان ساسانیان و سپس سده‌های نخستین اسلامی بود.

#### ۱-۲. پیشینه‌ی پژوهش

درباره فعالیت‌های علمی و فرهنگی خسرو انوشیروان در منابع تاریخی اشاره‌های زیادی به چشم می‌آید. محمد محمدی‌ملایری در کتاب «فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در تمدن اسلام و عرب»، آغاز نهضت فرهنگی ایرانیان را در زمان خسرو انوشیروان می‌داند. حسینعلی ممتحن در مقاله «نهضت علمی و ادبی در روزگار خسرو انوشیروان»، به تلاش‌های فرهنگی خسرو انوشیروان و علاقه‌مندی او به علم و دانش پرداخته است. سعید نفیسی هم در مقاله‌ی «خسرو انوشیروان و حکمت یونانی»، از آگاهی‌ها و دانش خسرو انوشیروان در زمینه فلسفه‌ی یونان سخن گفته است. وحید سبزیان‌پور در مقاله «شخصیت فرهنگی و تربیتی خسرو انوشیروان در آینه‌ی ادب فارسی و عربی»، با سودجستن از منابع

عربی، علاقه‌مندی فراوان خسرو انوشیروان را به علم و دانش نشان داده است. گذشته از اینها، شهرام جلیلیان هم در کتاب «تاریخ جندیشاپور»، به کوشش‌های علمی و فرهنگی خسرو انوشیروان، به‌ویژه در پیوند با جندیشاپور پرداخته‌است. با وجود این، تاکنون پژوهش جداگانه‌ای دربارهٔ فعالیت‌های خسرو انوشیروان برای اتحاد و همدلی ایرانیان، پایان دادن به آشفتگی‌ها و ایجاد امنیت در کشور و سخت‌کوشی او در راستای کار و کوشش و دوری از تن‌پروری، توجه او به موسیقی، فلسفه، نجوم و حکمت انجام نگرفته است. بنابراین پرداختن به این موضوع و مطالعه‌ی آن اهمیت زیادی خواهد داشت.

### ۱-۳. ضرورت و اهمیت پژوهش

پژوهندگان تاریخ ساسانیان همداستانند که دورهٔ خسرو انوشیروان، یک دورهٔ درخشان فرهنگ و تمدن ایرانیان باستان بوده است و خواه‌ناخواه پژوهش دربارهٔ شخصیت خسرو انوشیروان و شکوفایی فرهنگی و تمدنی ایرانیان در روزگار پادشاهی او اهمیت بسیاری خواهد داشت. از سوی دیگر، مطالعهٔ نهضت فرهنگی و تمدنی دورهٔ خسرو انوشیروان، نه تنها به‌طور کلی برای شناخت تاریخ علم و دانش ایرانیان باستانی اهمیت دارد، بلکه می‌تواند پیش‌زمینه‌ای باشد برای پژوهش دربارهٔ نهضت فرهنگی و علمی در جهان اسلام که چند سدهٔ بعد رخ داد و ایرانیان مسلمان در پیدایش و شکوفایی آن بسیار تأثیرگذار بودند.

## ۲. بحث و بررسی

### ۲-۱. خسرو انوشیروان و علوم هند

آگاهیم که خسرو انوشیروان به گردآوری دانش‌های دیگر مردم متمدن آن روزگار توجه ویژه‌ای داشت. هندوستان یکی از سرزمین‌های شرقی بود که در آن روزگار از دیدگاه فرهنگی، بسیار شناخته شده بود. در جهان باستان، سرزمین هند یکی از کانون‌های درخشان علم و تمدن بود (جلیلیان، ۱۳۹۲: ۹۲). بنابراین نیک پیداست که درخشش فرهنگی هند، خسرو انوشیروان را که شیفتهٔ علم و دانش بود، به خود جذب می‌کرد. به گزارش ابن مسکویه، خسرو انوشیروان دربارهٔ انگیزهٔ خود از گردآوری دانش‌های هندی و رومی گفته است:

از آموختن آنچه آنان - رومیان و هندیان - داشتند نیز ننگ نداشتیم چه، سر فرود آوردن در برابر راستی و دانش و پیروی کردن از آن، بزرگ‌ترین زیور شهریاران است. چنان‌که ننگ داشتن از آموختن و سرباز زدن از جست‌وجوی دانش، بزرگ‌ترین آسیب را به آنان زد. آن‌که نیاموزد دانا نشود. آنگاه که دانش کارسازی و کشورداری رومیان و هندوان را همگی بشناختم، شیوه‌های نیک نیاکان را و آنچه را که خود پدید آوردم و خویشتن را بر آن داشتم، و آنچه از شاهان بیگانه گرفتم، همه را به یکدیگر پیوند زدم (ابن مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱۸۱).

در حقیقت، علاقه‌مندی خسرو انوشیروان به دانش، منجر به گردآوری و تألیف کتاب‌ها می‌شد و این نوشته‌ها در دانشگاه جندیشاپور ذخیره شدند (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۴۳۷).

خسرو انوشیروان گروهی از دانشمندان ایرانی را همراه با برزویه پزشک، به هندوستان فرستاد تا شیوه‌های درمانی و گیاه‌پزشکی هندی را بیاموزند و کتاب‌های علمی هندی را به ایران آورند (نصرالله‌منشی، ۱۳۸۳: ۴۲-۵۵؛ تعالی، ۱۳۶۸: ۴۰۶). او برای به دست آوردن

کلیله و دمنه، پنج هزار سکه‌ی طلا به برزویه حکیم می‌دهد و از او می‌خواهد که این کتاب و دیگر کتاب‌های ارزشمند هندی را به ایران بیاورد و حتی به او می‌گوید: «اگر به زیادتی حاجت افتد... تمامی خزاین ما در آن می‌ذول خواهد بود» (نصرالله‌منشی، ۱۳۸۳: ۳۰). هنگامی که برزویه، کلیله و دمنه را برای خسرو انوشیروان می‌آورد، پادشاه از او می‌خواهد هرچه پول و جواهر نیاز دارد، بخواهد تا به او داده شود، اما برزویه جز یک دست لباس چیزی از گنجینه پادشاه بر نمی‌دارد! و شگفت این که، خسرو انوشیروان برای این کوشش برزویه، او را حتی شایسته تخت و تاج می‌داند: «اگر در ملک مثلاً مشارکت توقع کنی، می‌ذول است» (نصرالله‌منشی، ۱۳۸۳: ۳۵ و ۳۶).

نکته مهم این‌که، خسرو انوشیروان تنها خواستار کتاب کلیله و دمنه نیست، بلکه از برزویه می‌خواهد «دیگر کتب هندوان» را نیز به ایران بیاورد: «می‌خواهم... که دیگر کتب هندوان بدان مضموم گردد» (نصرالله‌منشی، ۱۳۸۳: ۳۰)، و برزویه هم از کتاب‌های متعدّد هندی نسخه‌برداری می‌کند: «هندو... کتاب‌ها بدو داد و برزویه روزگار دراز با هراس تمام در نشستن آن مشغول گردانید... و از این کتاب و دیگر کتب هندوان نسخه گرفت» (همان: ۳۴). و اینگونه بود که برزویه در این سفر، کتاب‌های بسیاری با خود به ایران می‌آورد: «به وقت بازگشتن کتاب‌ها آوردم که یکی از این کتاب‌ها کلیله و دمنه است» (همان: ۵۸).

یکی از این کتاب‌ها که برزویه پزشک همراه با کلیله و دمنه به ایران آورد، کتاب «حکمت هندیان» بود. این کتاب که به پهلوی برگردانده شده بود، بعدها به دست شمعون انطاکی از عربی به یونانی ترجمه شد (جلیلیان، ۱۳۹۲: ۷۱). با توجه به این که «حکمت»، دانش‌های گوناگونی را دربرمی‌گرفت و در روزگاران گذشته، «حکیم» به کسانی می‌گفتند که «علوم اوائل» یا دانش‌هایی همچون پزشکی، موسیقی، ادبیات، فلسفه، نجوم، هندسه و اخلاق را بدانند (قفطی، ۱۳۷۱: ۳۱)، می‌توان انگاشت که برزویه و دانشمندان همراه او که شاید هر کدام در یکی از دانش‌ها متخصص بوده‌اند، در زمینه این دانش‌هایی که یاد شدند نیز کتاب‌هایی به ایران آورده باشند.

## ۲-۱-۱. خسرو انوشیروان و پزشکی هندی

هدف و انگیزه اصلی خسرو انوشیروان از فرستادن برزویه پزشک به هندوستان، آموختن شیوه‌های درمانی هندی، به‌ویژه پزشکی گیاهی هندیان و آوردن کتاب‌های علمی هندی به ایران بود (نصرالله‌منشی، ۱۳۸۳: ۵۵ تا ۴۲). در این دوره، پزشکی هندی از مهم‌ترین سنت‌های پزشکی جهان بود و در نتیجه سفر برزویه، بسیاری از دانشمندان و پزشکان هندی به ایران آمدند و در جندی‌شاپور به فعالیت‌های علمی پرداختند و سنت پزشکی هندی و شیوه‌های درمانی آن را در جندی‌شاپور رواج دادند (نجم‌آبادی، ۱۳۷۱: ۴۱۹؛ جلیلیان، ۱۳۹۲: ۹۹). به گزارش ثعالبی، خسرو انوشیروان صد و بیست پزشک هندی، رومی و ایرانی داشت (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۵۹)؛ همچنین در این دوره، چندین کتاب پزشکی از زبان سانسکریت به پهلوی (= فارسی میانه) ترجمه شدند و آنها را در بیمارستان جندی‌شاپور نگه داشتند (طبری، ۱۳۶۲: ۶۰۵/۲). یکی از آنها کتابی به نام «سیرک» بود که از زبان سانسکریت به پهلوی ترجمه شده بود (ابن ندیم، ۱۳۶۱: ۳۷۷؛ جلیلیان، ۱۳۹۲: ۵۶)؛ همچنین کتاب «السموم» نوشته شاناق از پزشکان بزرگ هندی را پزشکان هندی جندی‌شاپور به

پهلوی ترجمه کردند (نجم آبادی، ۱۳۷۱: ۴۰۶). چنین بود که در دوره خسرو انوشیروان، روش‌ها و شیوه‌های پزشکی هندیان در کانون‌های علمی ایران همچون جندی‌شاپور رواج یافت و با دیگر سنت‌های پزشکی ایرانی، یونانی و بابلی آمیخته و بارور شد و به دنبال آن در دوره اسلامی این میراث علمی به مسلمانان داده شد (جلیلیان، ۱۳۹۲: ۹۲).

## ۲-۱-۲. خسرو انوشیروان و موسیقی هندی

در زمینه موسیقی نیز خسرو انوشیروان، از اسباب و آلات موسیقی هندی و دانش آنها در این زمینه سود جست. اگرچه به گفته‌ی فردوسی، بهرام گور (۴۲۱-۴۳۹ م.) بود که لولیان را از هندوستان به ایران آورد تا مایه شادکامی و خوشگذرانی مردم شوند (فردوسی، ۱۳۸۵: ۱۱۹۹/۶) و این خود به گونه‌ای ورود موسیقی هندی به ایران هم بود، اما آوردن کتاب «حکمت هندیان» در روزگار خسرو انوشیروان، بیانگر این است که دانش موسیقی هندی هم در قالب این کتاب به ایران آورده شده است. به‌ویژه باید یادآور شد که دوره فرمانروایی خسرو انوشیروان همانند روزگار بهرام گور و خسرو پرویز (۵۹۰-۶۲۸ م.) که فرمانروایی شادخوار بودند، دوره شادخواری و خوشگذرانی بود، چراکه خسرو انوشیروان نیز زردشتی راست‌کیشی بود که از آموزه‌های زردشت پیامبر درباره همسنگی شادمانی و جشن با ستایش خداوند (راشدمحصل، ۱۳۸۲: ۲۳)، تأثیر پذیرفته بود. از این رو، در دوره خسرو انوشیروان به موسیقی که ابزار شادزیستن و شادمانی بود، نگاه ویژه‌ای می‌شد. برای شادخواری و خوشگذرانی، به بزم و باده‌گساری و خنیاگری نیاز بود. در شاهنامه فردوسی، همواره از گفت‌وگوها و بزم‌های خسرو انوشیروان با موبدان و دانایان یاد می‌شود و در این بزم‌ها، بارها به برتر بودن هنر از گوهر و برتری هنرمند بر دیگران اشاره شده است (فردوسی، ۱۳۸۵: ۱۲۶۲/۶ تا ۱۲۷۶). کانون‌های جشن و موسیقی، خانه‌های بزرگان و به‌ویژه دربار پادشاه بود. با توجه به پیشینه ورود نوازندگان و موسیقیدانان هندی به ایران در دوره پیش از خسرو انوشیروان، همدلی و پشتیبانی خسرو انوشیروان از آنها و حتی آوردن نوازندگان و آلات موسیقی از هندوستان، چندان دور از ذهن نخواهد بود. در متن پهلوی «خسرو کواتان و ریدگ»، آنجا که ریدگ (= غلام) خسرو از موسیقی سخن می‌گوید و آلات موسیقی را نام می‌برد، در کنار بریط و تاس و چنگ و... از «رودِ هندی» هم یاد می‌کند (آسانا، ۱۳۸۲: ۵۷)، و این بیانگر ورود آلات و دستگاه‌های موسیقی هندی به دربار ساسانیان است. همچنین وجود پزشکان هندی در دربار خسرو انوشیروان، خود گواه دیگری بر رواج دانش موسیقی هندی به وسیله این پزشکان در شهر جندی‌شاپور است. در دنیای کهن، بسیاری از پزشکان در هنر موسیقی هم چیره‌دست بوده‌اند و نمونه چنین پزشکان و دانشمندانی در تاریخ ایران پس از اسلام، کسانی همچون محمد بن زکریای رازی، ابوریحان بیرونی و ابونصر فارابی هستند که نوازنده و استاد فن موسیقی هم بوده‌اند. البته بزرگان موسیقی ایران اسلامی، مانند فارابی در فن موسیقی نیز همانند دیگر علوم، متأثر از موسیقی دوره ساسانی بوده‌اند. این که فارابی از باربد، نوازنده و خنیاگر بزرگ دربار خسرو پرویز، به‌عنوان «هنرمند طراز اول» یاد می‌کند، آشکارا بیانگر آشنایی او با هنر و موسیقی ساسانیان است (برکشلی، ۱۳۵۷: ۲۱).

### ۲-۱-۳. خسرو انوشیروان و نجوم هندی

در دوره خسرو انوشیروان، نجوم ایرانی هم مشمول نهضت علمی و فرهنگی شد و ایرانیان با نجوم هندی و یونانی آشنا شدند. هرچند که ایرانیان از دیرباز با نجوم آشنا بودند و این آشنایی و آگاهی را در خورشیدیست، ماهیست و تیریست اوستا آشکارا می‌توان دید (اوستا، ۱۳۷۰: ۳۲۳ تا ۳۳۰)، اما خود این آشنایی می‌توانست عامل مهمی برای شناخت و آشنایی بیشتر با تجربه‌های مردمان دیگر در زمینه نجوم باشد. چنان که گفتیم خود انوشیروان هم باور داشت آنچه که از دانش هندی‌ها گرفته است با داشته‌های پیشینیان خود پیوند داده است (ابن مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱۸۱)؛ به‌ویژه بزرگمهر، وزیر خردمند انوشیروان، خود در دانش نجوم، چیره و نام‌آور بود و کتابی در زمینه نجوم نوشته بود که بعدها از پهلوی به عربی ترجمه شده است (جلیلیان، ۱۳۹۲: ۸۲؛ نلینو، ۱۳۴۹: ۲۴۰). از این رو، می‌توان گفت که برزویه پزشک در کنار کتاب‌های پزشکی، کلیله و دمنه و حکمت هندیان و... کتاب‌هایی در زمینه نجوم نیز ترجمه و به دربار خسرو آورده است. وجود واژگان و اصطلاحات نجومی هندی مانند «زیج هندوان»، «کوشای هندی» (دومین برج نجومی در هند)، «خانه‌های ماه»، «زایچه»، در متن‌های پهلوی و ترجمه‌ی متن‌های نجومی هندی از سانسکریت به پهلوی، بیانگر تأثیرپذیری ایرانیان این دوره از نجوم هندی (تفضلی، ۱۳۷۶: ۳۱۶-۳۱۷؛ جلیلیان، ۱۳۹۲: ۸۱) و تأیید فرضیه ترجمه کتاب‌های نجومی هندی در زمان خسرو انوشیروان است.

### ۲-۱-۴. خسرو انوشیروان و فلسفه هندی

خسرو انوشیروان، همچون یک «شاه - فیلسوف»، علاقه زیادی به فلسفه و گفت‌وگو و همنشینی با فیلسوفان داشت. او همتای علاقه به فلسفه غرب، به فلسفه و حکمت هندی نیز با نگاهی نیک می‌نگریست و از این رو بود که برزویه به اشاره خسرو انوشیروان، کتاب کلیله و دمنه را که آکنده از حکمت و دانایی و سیاست است، از هند به ایران آورد و به پهلوی ترجمه کرد. از این راه، داستان‌ها و اندرزهای حکیمانه هندی به آرامی در فرهنگ ایرانی نفوذ کردند (محمدی‌ملایری، ۱۳۳۳: ۳۱۲). در حقیقت در دوره خسرو انوشیروان «حکمت‌های عملی هندی و ایرانی که به شکل پند و اندرز شیوع پیدا کرده بود، گاهی هم‌پراز با تعالیم اخلاقی دینی به کار می‌رفت» (حافظ‌نیا، ۱۳۷۸: ۱۰۵).

باید یادآور شد که برزویه در هند با فیلسوفان و دانشمندان هندی نیز دیدار و گفت‌وگوهایی داشته است: «و برزویه با نشاط تمام روی بدین مهم آورد و چون به مقصد پیوست، گرد درگاه پادشاه و مجلس‌های علما و اشراف و محافل سوقه و اوساط می‌گشت و از حال نزدیکان رای و مشاهیر شهر و فلاسفه می‌پرسید و به هر موضع اختلافی می‌ساخت» (نصرالله منشی، ۱۳۸۳: ۱۶). با توجه به اینکه برزویه به معنای واقعی کلمه «حکیم» بود و به گفته فردوسی «ز هر دانشی داشتی بهره‌ای» (فردوسی، ۱۳۸۵: ۱۳۲۷/۶)، از این رو رونوشت برداشتن او از کتاب‌های فلسفی هند و ترجمه آنها به زبان پهلوی نیز چندان دور از ذهن نمی‌باشد (نجم‌آبادی، ۱۳۷۱: ۳۴۰). شاید اگر سفر برزویه را با رفتن ابوریحان بیرونی به هند و گفت‌وگوها و مناظره‌های او با دانشمندان هندی همانند کنیم، چندان بیراه نرفته باشیم. آگاهی که بیرونی پس از رفتن به هندوستان و با رنج و سختی

فراوان، در «نتیجه معاشرت و مجالست دانشمندان هندی و مطالعه و ترجمه کتب مختلف هندوان، در علوم و معارف و آداب و رسوم هندی و جغرافیا و مسالک و ممالک هندوستان احاطه کامل به هم رسانید... و شاهکاری بنام کتاب مالهند به وجود آورد... این کتاب مشتمل است بر ذکر آرا و عقاید هندوان در مذهب و آداب و رسوم و قوانین دینی و اجتماعی و افکار فلسفی و عرفانی و هیئت و نجوم و تاریخ و جغرافیا و فنون ادبی و غیره» (بیرونی، ۱۳۶۲: ۵۰). پس باید انگاشت که برزویه هم آثار فلسفی و عرفانی هندیان را همراه با دیگر کتاب‌ها با خود به ایران آورده است. می‌دانیم که در همین دوره، داستان زندگی بودا نیز از سانسکریت به پهلوی ترجمه شد (ممتحن، ۱۳۵۴: ۱۶۱).

## ۲-۲. خسرو انوشیروان و علوم یونانی

با فراهم شدن محیطی امن به وسیله خسرو انوشیروان، نخبگان دیگر سرزمین‌های متمدن به درگاه او روی آوردند، چنان که گروهی از پزشکان رومی در دوره ژوستینین، امپراتور روم به دربار خسرو انوشیروان پناهنده شدند و در آموزشگاه پزشکی جندیشاپور، تجربیات علمی خود را در اختیار پزشکان ایرانی قرار دادند (سامی، ۱۳۶۵: ۱۲۱ و ۱۲۲). پاره‌ای از این پزشکان در دربار خسرو ماندگار شدند و آن گونه به پادشاه نزدیک شدند که هرچه از او می‌خواستند، خسرو انوشیروان می‌پذیرفت، چنان که تریبونوس آزادی سه هزار اسیر رومی را از خسرو انوشیروان خواستار شد و او هم این خواسته را برآورد (نجم‌آبادی، ۱۳۷۱: ۳۴۰). این نمونه، خود به تنهایی بیانگر جایگاه پزشکان و دانشمندان در پیشگاه خسرو انوشیروان است. البته خود اسیران رومی هم عامل انتقال میراث فرهنگی رومیان به ایران بودند، چنانکه می‌دانیم زمانی که خسرو بسیاری از اسیران رومی را در شهر تازه‌بنیاد «وه از انتاکیه خسرو» (در عربی: الرومیه؛ در فارسی: رومگان) جای داد، برای آسایش آنها، سورچی و موسیقیدان از انطاکیه و دیگر شهرهای رومی با خود آورد (وینتر و دیگناس، ۱۳۷۶: ۲۱۵)، که این می‌توانست در توسعه موسیقی دوره ساسانی نیز مؤثر باشد.

همچنین در سال بیستم پادشاهی خسرو انوشیروان، به درخواست این پادشاه، پزشکان جندیشاپور (پزشکان رومی، هندی و ایرانی)، در یک گردهمایی درباره دانش پزشکی با همدیگر به مباحثه و مناظره پرداخته بودند و سخنان آنها ثبت شده بود (قفطی، ۱۳۷۱: ۱۸۵).

گذشته از پزشکان پناهنده به دربار خسرو انوشیروان، گروهی از فلاسفه نوافلاطونی نیز به دربار خسرو پناهنده شدند. حضور فیلسوفان نوافلاطونی در دربار ایران، در نگاه و دیدگاه خسرو انوشیروان به فلسفه و افزوده‌تر شدن دانش او در زمینه فلسفه، مؤثر بود. در چنین روزگاری بود که پریسکیانوس کتابی به نام «پاسخ‌های پریسکیانوس فیلسوف به پرسش‌های خسرو پادشاه ایران» نوشت (تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۶۰؛ جلیلیان، ۱۳۹۲: ۸۹). از این رو نفیسی عقیده دارد که «انوشیروان به فلسفه و حکمت یونان احاطه داشته و ذوق سرشار او را در فهم حکمت از سؤال‌های او از هفت حکیم یونانی به وضوح می‌توان دریافت» (نفیسی، ۱۳۱۲: ۳۹). همچنین گفته می‌شود که متن‌های فلسفی یونانی زیادی را برای خسرو انوشیروان به پهلوی ترجمه کرده بودند که نتیجه آن آشنایی او با فلسفه ارسطو و افلاطون بوده است (وینتر و دیگناس، ۱۳۸۶: ۲۱۸؛ تفضلی، ۱۳۷۶: ۱۶۰). ابن‌ندیم هم در الفهرست،



از کتابی به نام «درباره سؤالاتی که شاه روم به انوشیروان به دست بقراط رومی فرستاد» و کتاب «فرستادن ملک روم فیلسوفانی را نزد شاه ایران و سؤالاتی از حکمت» یاد کرده است (ابن ندیم، ۱۳۶۶: ۳۸۴). روی هم رفته کتاب‌های علمی و فلسفی مکاتب هلنیستی و نوافلاطونی - آثار افلاطون، ارسطو، بطلمیوس و... - با پشتیبانی خسرو انوشیروان و دیگر پادشاهان دانش دوست ساسانی به پهلوی ترجمه شدند و بعدها به عربی ترجمه و به دنیای اسلامی راه یافتند (گارسویان، ۱۳۸۷: ۶۹۶).

آوازه خسرو انوشیروان در فلسفه به گونه‌ای بود که حتی فیلسوفان و دانشمندان بزرگ ایرانی همچون سهروردی و غزالی نیز او را «حکیم» دانسته‌اند (دباشی، ۱۳۶۹: ۳۳۵) و می‌خوانند نیز با آوردن اشعاری به حکیم بودن او اشاره کرده‌است (میرخواند، ۱۳۸۵: ۹۳۳). به‌طور کلی باید گفت دوره شهریاری خسرو انوشیروان گواهی برای این گفتار افلاطون بود که: «اگر در جامعه‌ها فیلسوفان پادشاه نشوند، یا کسانی که امروز عنوان شاه و زمامدار به خود بسته‌اند به راستی دل به فلسفه نسپارند و اگر فلسفه و قدرت سیاسی با یکدیگر توأم نشوند... بدبختی جامعه‌ها، و به‌طور کلی بدبختی نوع بشر، به پایان نخواهد رسید» (افلاطون، ۱۳۵۳، کتاب پنجم: ۲۷۳). به گفته فردوسی، خسرو انوشیروان با همنشینی و گفت‌وگو با فیلسوفان و دانشمندان و پزشکان، از همه آنها سرفرازتر و داناتر شده بود:

دل خود به دانش بیاراستی	ز هر موبدی نو سخن خواستی
ستاره‌شناسان و هم بخردان	چنان بُد کز آن نامور موبدان
بر آن فیلسوفان سرفراز گشت	همی دانش آموخت و اندر گذشت
ز راه پزشکی ز کس پس نبود	به راز ستاره چو او کس نبود

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۱۲۶۲/۶)

### ۲-۳. امنیت و آرامش دوره خسرو انوشیروان: عاملی مؤثر در جذب نخبگان

یکی از عوامل مؤثر در زایش و اعتلای تمدن‌ها، وجود امنیت و نیز حفظ یکدلی و یکپارچگی است. پژوهندگان تاریخ علم همداستانند که شکوفایی تمدن‌ها هنگامی امکان ظهور می‌یابد که هرج و مرج و ناامنی از بین رود (حلبی، ۱۳۷۲: ۱۸)، زیرا حس کنجکاوی و نیاز به ابداع و آفرینندگی تنها زمانی به کار می‌افتد که ترس و وحشت از میان رفته باشد و آدمی بتواند فکر را متمرکز در راه کسب علم و معرفت و تهیه وسایل بهبود زندگی سوق دهد (دورانت، ۱۳۳۱: ۱۶).

خسرو انوشیروان عملاً با پشتکار و عزم راسخ خود برای از بین بردن هرج و مرج به وجود آمده از قیام مزدکیان (طبری، ۱۳۶۲: ۶۲۶/۲؛ بلعمی، ۱۳۸۳: ۶۸۴)، کوشش‌های زیادی انجام داد. در این پژوهش نمی‌توانیم به جنبش مزدکیان و زمینه‌های پیدایش آن بپردازیم، اما یک پیامد جنبش مزدکیان، آشتی و از هم گسیختگی جامعه ایرانی بود (نک: طبری، ۱۳۶۲: ۶۲۶/۲؛ بلعمی، ۱۳۸۳: ۶۸۴؛ دینوری، ۱۳۶۸: ۶۷)، از این رو خسرو انوشیروان با

هدف از بین بردن هرج و مرج به وجود آمده از جنبش مزدکیان، اقدام به سرکوب آنها کرد؛ چراکه بسیاری از شورشیان مزدکی تجسم این گزارش نامهٔ تسر بودند که: «عامه، همچون دیو که از بند بگشایند، کارها فرو گذاشتند و به شهرها به دزدی و فتنه و عیاری و شغلهای بد پراکنده شده، تا بدان رسید که بندگان بر خداوندگان دلیر شده‌اند و زنان بر شوهران فرمانفرمای» (مینوی، ۱۳۵۴: ۶۰). با سخت‌کوشی خسرو انوشیروان، فتنهٔ مزدکی سرکوب شد و با اصلاحات اداری، اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای که او برای نابودی نشانه‌های شوم این شورش انجام داد، امنیت در جامعه حاکم گردید. از سوی دیگر، بردباری دینی و دانش‌دوستی خسرو انوشیروان باعث شد که پناهندگان سیاسی و فرهنگی و بازرگانان سرزمین‌های دیگر به دربار او روی آورند. فردوسی به زیبایی تصویری از این امنیت و آمدن نخبگان و نامداران و بازرگانان بیگانه به دربار خسرو انوشیروان را به دست داده است:

چو کسری بیامد بر تخت خویش	گرازان و انباز با بخت خویش
جهان چو بهشتی شد آراسته	زداد و ز خوبی، پُر از خواسته...
بیوست نامه ز هر کشوری	زهر نامداری و هر مهتری
ز بازارگانان و ترکان چین	ز سقلاب و هر کشوری همچین...
جهانی به ایران نهادند روی	بر آسوده از درد و از گفتگوی

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۱۲۹۹/۶)

#### ۲-۴. توجه خسرو انوشیروان به یکپارچگی و همدلی ایرانیان

یکی دیگر از کارهای خسرو انوشیروان برای شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران، این بود که برای همدلی مردم با همدیگر تلاش زیادی انجام داد. ابن مسکویه گزارشی از سخنرانی خسرو انوشیروان را آورده است که گویا پادشاه در یکی از بارعام‌های خود آن را بیان کرده است. خسرو انوشیروان ابتدا از تلاش‌های خود در سرکوب دشمنان و دشواری‌ها و سختی‌های جانفرسایی که در این راه کشیده است، سخن می‌گوید و سپس از دشمن دوّمی یاد می‌کند که از دشمن اول بسیار سرسخت‌تر، خطرناک‌تر، پرهراس‌تر و نیرنگ‌بازتر می‌باشد. آن دشمن دوّم را نبود یکپارچگی و همدلی می‌داند و از آن به نام دشمن درون یاد می‌کند. او حتی در این سخنرانی علت فروپاشی دولت هخامنشی را به دست اسکندر «ناهمداستانی‌ها و پراکندگی‌ها و پدیدشدن کینه‌ها و بالاگرفتن دشمنی‌ها» می‌داند، به گونه‌ای که کار به آنجا می‌رسد که فرماندهٔ نگهبانان داریوش سوم، همان کسی که داریوش پاسداری از جان خویش را به وی سپرده بود، او را کشت. دلیل این خیانت چیزی نبود «مگر از بدخواهی‌ها و کینه‌توزی‌ها و دشمنی‌ها و ناهمدلی‌هایی که تودهٔ مردم را فراگرفته بود و کار اسکندر را آسان کرده بود. من از آن روز پند گرفتم و اینک از آن یاد کرده‌ام» (ابن مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱۸۴).

سپس از مردم می‌خواهد که «پراکندگی و سرکشی و رشک آشکار و بدگویی و سخن‌چینی» را کنار گذارند و با همدلی، این دشمنان درونی را شکست دهند و چیرگی بر دشمنان درون را بر دشمنان رومی و تورانی و... برتر می‌داند، زیرا دشمنان درون «زیان‌بارتر و نیرومندتر و دردناکتر و بدفرجام‌تر» از دشمنان بیرونی هستند. در پایان می‌گوید هر کس

زبون دشمن درون گردد، دشمنان بیرون نیز بر او چیره می‌شوند و هر کس بر دشمن درون پیروز گردد، بر دشمنان بیرونی نیز پیروز می‌گردد، «زیرا تنها با مهر و دوستی و همدستی و یک‌رنگی است که به سربلندی و نیرومندی و فرمانروایی توان رسید، که رشک بردن و زینهار خواری و سخن‌چینی و پراکنده‌دلی، مایه خواری و ناتوانی و نابودی در دو جهان است. پس، بدانچه فرموده‌ایم چنگ زنید و از آنچه بازتان داشته‌ایم، بپرهیزید» (ابن مسکویه رازی، ۱۳۶۹: ۱۸۵).

## ۲-۵. توجه خسرو انوشیروان به کار و کوشش و دوری از تن‌پروری

خسرو انوشیروان در کوشش برای شکوفایی فرهنگ و تمدن ایران، مردم را از تن‌آسایی دور می‌کرد و به سحرخیزی و کار و کوشش می‌خواند. او سستی و تن‌پروری را یکی از مهم‌ترین عوامل تباهی کشور می‌دانست. ثعالبی از زبان خسرو انوشیروان می‌گوید: «هیچی کشور را چون تن‌آسانی تباه نکند» (ثعالبی، ۱۳۶۸: ۳۹۲). او ثمره تنبلی را تنگدستی و زیان می‌دانست: «انوشیروان: ثمره التوانی الفاقه و الضر» (ابن مسکویه، بی‌تا: ۵۴). همچنین به گفته فردوسی، خسرو انوشیروان در کنار اندرزهای بسیاری که در زمینه‌های گوناگون به سرداران خود می‌داد، اینگونه آنها را برای دوری از سستی و بیکاری اندرز داده بود:

از امروز کاری به فردا ممان	که داند که فردا چه گردد زمان...
هر آنکه که در کار سستی کنی	همی رای ناتندرستی کنی...
دگر مرد بیکار و بسیار گوی	نماند به نزد کسش آبروی

(فردوسی، ۱۳۸۵: ۱۲۳۱/۶)

آشکار است که کار و کوشش همیشگی، یکی از عوامل شکوفایی تمدن‌ها بوده و هست. تمدن‌ها با تلاش زیاد و همکاری همگانی شکفته می‌شوند و با تن‌پروری و سستی تباه می‌گردند. البته باید گفت که این تفکر خسرو انوشیروان برگرفته از آموزه‌های دین زردشتی بود چرا که در این دین، پاداش ایزدی چه در این جهان و چه در سرای مینوی تنها در برابر ستایش و عبادت نیست؛ باید کار هم کرد، کاری که خود و دیگران را آباد کند (پورداد، ۱۳۷۸: ۱۸۳؛ دوستخواه، ۱۳۷۰: ۶۸۲؛ مهرین، ۱۳۶۱: ۴۹). در اوستا همواره مردم به سخت کوشی در کار ترغیب شده‌اند و بندگان واقعی خدا را کسانی می‌داند که اهل کار و کوشش‌اند (پورداد، ۱۳۸۶: ۷۳ و ۷۴؛ آسموسن، ۱۳۸۶: ۱۱۱).

## ۳. نتیجه‌گیری

خسرو انوشیروان کوشش‌های زیاد و مؤثری برای توسعه و پیشرفت ایران در دوره ساسانیان انجام داد. علاقه‌مندی او به علم و دانش، باعث گردآوری علوم بیگانه و ترجمه و آموزش آنها در ایران شد. به اشاره خسرو انوشیروان، برزویه پزشک برای آوردن کتاب‌های علمی هندیان، به هند فرستاده شد. برزویه که در دانش‌هایی چون پزشکی، نجوم، موسیقی، فلسفه و حکمت صاحب‌نظر بود، کتاب‌های علمی هندیان را به دربار خسرو انوشیروان آورد و آنها به زبان پهلوی (= فارسی میانه) و سپس در دوره اسلامی به عربی ترجمه شدند. همچنین برزویه همراه خود، پزشکانی از هند به دربار ایران آورد که از

راه تألیف و ترجمه کتاب‌های علمی، به فرهنگ و تمدن ایران کمک‌ها کردند. گذشته از دانش‌های هندی، خسرو انوشیروان به علوم یونانی نیز توجه داشت و در این دوره کتاب‌های علمی و فلسفی آنان به پهلوی ترجمه شدند. همچنین با فراهم شدن محیطی امن به وسیله خسرو انوشیروان، نخبگان دیگر سرزمین‌های متمدن به درگاه او روی آوردند. وجود امنیت و بردباری دینی خسرو انوشیروان، باعث مهاجرت پزشکان و فلاسفه روم و هند و دیگر کشورهای متمدن به ایران رفت و آمد بازرگانان و صاحب حرف چین و هند و... به ایران و توسعه فرهنگی و اقتصادی کشور شد. خسرو انوشیروان نیز از ورود نخبگان و متخصصان استقبال کرده و آنان جایگاه والایی در نزدش داشتند، چنانکه با پزشکان و فیلسوفان آنها گفتگوها و هم‌اندیشی داشت. همگام با این فعالیت‌ها، او به یکپارچگی و همدلی مردم کشور نیز توجه ویژه‌ای می‌کرد و باور داشت که دلیل شکست هخامنشیان از اسکندر، نبود همدلی در بین مردمان بوده‌است. خسرو انوشیروان به کار و کوشش و دوری از سستی و تن‌آسایی نیز به عنوان یکی از مؤلفه‌های پیشرفت، توجه داشت و سستی و تن‌پروری را از مهم‌ترین عوامل نابودی کشور می‌دانست.

### کتابنامه

#### الف. کتاب‌ها

۱. آسانا، جاماسب جی. (۱۳۸۲). **خسرو قبادان و ریدگی**. متن‌های پهلوی. ترجمه سعید عریان. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور.
۲. الابشهی، محمد بن منصور احمد بن منصور ابوالفتح. (۱۴۱۹). **المستطرف فی کل فن مستطرف**. بیروت: عالم الکتب.
۳. ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد. (بی‌تا). **الحکمه الخالده**. تحقیق عبدالرحمان بدوی. بیروت: دار الأندلس.
۴. \_\_\_\_\_ (۱۳۶۹). **تجارب‌الأمم**. ترجمه علینقی منزوی. تهران: انتشارات توس.
۵. ابن‌ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۶۶). **الفهرست**. ترجمه محمدرضا تجدد. تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
۶. افلاطون. (۱۳۵۳). **جمهوری**. ترجمه فؤاد روحانی. تهران: بنگاه نشر و ترجمه کتاب.
۷. برکشلی، مهدی. (۲۵۳۷). **اندیشه‌های علمی فارابی درباره‌ی موسیقی**. تهران: پژوهشگاه موسیقی‌شناسی ایران.
۸. بلعمی، ابوعلی محمد. (۱۳۸۳). **تاریخ بلعمی** (تکمله و ترجمه‌ی تاریخ طبری). به تصحیح محمدتقی بهار (ملک‌الشعرا). به کوشش محمد پروین گنابادی. تهران: زوار.
۹. بیرونی، ابوریحان. (۱۳۶۲). **التفهیم لاوائل صناعه التنجیم**. با تجدیدنظر در تصحیح متن و مقدمه جلال‌الدین همایی. تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
۱۰. پورداود، ابراهیم. (۱۳۷۸). **گات‌ها** (کهن‌ترین بخش اوستا). تهران: انتشارات اساطیر.
۱۱. \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). **اوستا**. تهران: دنیای کتاب.
۱۲. تفضلی، احمد. (۱۳۷۶). **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: انتشارات سخن.

۱۳. ثعالبی، ابومنصور عبدالملک بن محمد. (۱۳۶۸). **تاریخ ثعالبی (غور الخبار ملوک الفرس و سیوهیم)**. ترجمه محمد فضائلی. تهران: نشر نقره.
۱۴. جلیلیان، شهرام. (۱۳۹۲). **تاریخ جندی شاپور**. اهواز: دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز.
۱۵. حلبی، علی اصغر. (۱۳۷۲). **تاریخ تمدن اسلام**. تهران: انتشارات اساطیر.
۱۶. حموی، شهاب‌الدین أبو عبدالله یاقوت بن عبدالله. (۱۹۹۵م). **معجم البلدان**. بیروت: دارالصادر.
۱۷. دوران، ویل. (۱۳۳۱). **تاریخ تمدن**. ترجمه احمد آرام. تهران: انتشارات بهنود.
۱۸. دوستخواه، جلیل. (۱۳۷۰). **اوستا کهن ترین سرودها و متنها ایرانی (۲ج)**. تهران: انتشارات مروارید.
۱۹. دینوری، ابوحنیفه. (۱۳۷۱). **اخبار الطوال**. ترجمه محمود دامغانی. تهران: نشر نی.
۲۰. راشد محصل، محمد تقی. (۱۳۸۲). **اوستا: ستایش نامه راستی و پاکی**. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲۱. سامی، علی. (۱۳۶۵). **نقش ایرانیان در فرهنگ اسلامی**. شیراز: انتشارات نوید شیراز.
۲۲. طبری، محمد بن جریر. (۱۳۶۲). **تاریخ طبری**. ترجمه ابوالقاسم پاینده. تهران: انتشارات اساطیر.
۲۳. فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۵). **شاهنامه فردوسی**. بر اساس نسخه‌ی ژول مل. به کوشش عبدالله اکبریان‌راد. تهران: الهام.
۲۴. قفطی، ابوالحسن علی بن یوسف بن ابراهیم. (۱۳۷۱). **تاریخ الحکما**. به کوشش بهین دارائی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۵. کریستن سن، آرتور امانوئل. (۱۳۶۷). **ایران در زمان ساسانیان**. ترجمه رشید یاسمی. تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
۲۶. گارسون، نینا. (۱۳۸۷). **تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی**. پژوهش دانشگاه کمبریج. جلد سوم. قسمت اول. ترجمه حسن انوشه. تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر. ص ۶۸۳-۶۹۵.
۲۷. محمدی‌ملایری، محمد. (۱۳۳۳). **فرهنگ ایرانی و تأثیر آن در تمدن اسلام و عرب**. تهران: انتشارات توس.
۲۸. مهرین، مهرداد. (۱۳۶۱). **آئین راستی یا یکتاپرستی زرتشت**. تهران: انتشارات فروهر.
۲۹. میرخواند، محمد بن خاوند شاه بن محمود. (۱۳۸۵). **تاریخ روضه‌الصفاء فی سیره الانبیاء و الملوک و الخلفاء**. تصحیح و تحشیه: جمشید کیان‌فر. تهران: انتشارات اساطیر.
۳۰. مینوی، مجتبی. (۱۳۵۳). **نامه تنسر به گشنسپ**. تهران: انتشارات خوارزمی.
۳۱. نجم‌آبادی، محمود. (۱۳۷۱). **تاریخ طب در ایران**. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۲. نصرالله منشی، ابوالمعالی. (۱۳۸۳). **کلیله و دمنه**. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی. تهران: مؤسسه انتشاراتی امیرکبیر.
۳۳. نلینو، کرلو الفونسو. (۱۳۴۹). **تاریخ نجوم اسلامی**. ترجمه احمد آرام. تهران: کانون نشر و پژوهش‌های اسلامی.
۳۴. ویسپوهر، یوزف. (۱۳۷۷). **ایران باستان**. ترجمه مرتضی ثاقب‌فر. تهران: انتشارات ققنوس

۳۴ / خسرو انوشیروان و شکوفایی...

۳۵. وینتر، انگلبرت و بئاته دیگناس. (۱۳۸۶). **روم و ایران دو قدرت جهانی در کشاکش و همزیستی**. ترجمه کیکاووس جهانداری. تهران: نشر فرزانه روز.

#### ب. مقالات

۳۶. آسموسن، ج. پ. (۱۳۸۶). «**اصول عقاید و اعتقادات دیانت زرتشتی**». دیانت زرتشتی. ترجمه فریدون وهمن. تهران: انتشارات جامی، صص ۹۹ تا ۱۳۳.

۳۷. حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۳۷۸). «**روابط فرهنگی ایران و هند در قبل از اسلام**». تحقیقات جغرافیایی. سال چهاردهم. بهار و تابستان ۱۳۷۸. شماره ۱ و ۲. پیاپی ۵۲ و ۵۳.

۳۸. دباشی، حمید. (۱۳۶۹). «**فرهنگ سیاسی شاهنامه: اندیشه سیاسی فیلسوف / پادشاه در سلطنت خسرو انوشروان**». ایران‌شناسی. سال دوم. ش ۹، صص ۳۳۱ تا ۳۴۱.

۳۹. سبزیان‌پور، وحید. (۱۳۹۲). «**شخصیت فرهنگی و تربیتی خسرو انوشیروان در آینه ادب فارسی و عربی**». دوماهنامه گزارش میراث. دوره دوم. سال هفتم. شماره سوم و چهارم. مرداد و آبان ۱۳۹۲، صص ۵۱ تا ۴۳.

۴۰. ممتحن، حسینعلی. (۱۳۵۴). «**نهضت علمی و ادبی در روزگار خسرو انوشیروان**». بررسیهای تاریخی. سال ۱۰. شماره ۱، صص ۱۳۳ تا ۱۷۲.

۴۱. نفیسی، سعید. (۱۳۱۲). «**خسرو انوشروان و حکمت یونانی**». مجله مهر. شماره ۱، صص ۳۶ تا ۴۱.